



The Ineffectiveness of Bisexual Education in Opposition to Islamic Ethics

_____ Seyedeh Zahra Mousavi *¹ Mohammad Javad Fallah² _____

1. Ph.D. Candidate in the University of Islamic sciences, Qom, Iran.
2. Associate Professor, University of Islamic sciences, Qom, Iran.

DOI: 10.22034/NRR.2021.44935.1060

URI: https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_13615.html

Corresponding Author:
Seyedeh Zahra Mousavi

Email:
tobazm@gmail.com

Received: 2022/01/11

Accepted: 2022/04/06

Available: 2022/05/22

Open Access



Keywords:

Androgenism,
Androgenic education,
Challenges of Androgenic
education, Islamic ethics.

ABSTRACT

Androgenic education is expanding as a new method of education in some societies. This method of education, which does not discriminate between girls and boys sexually, seeks to nurture people who behave feminine or masculine, regardless of gender and according situation. Despite the new perspective that this method of education puts forward, it is challenged in the face of some sciences. Biological, psychological and moral challenges are among these challenges. Explaining the various dimensions of the moral challenge is one of the points that must be addressed in order to clarify the contrast between this approach and the teachings of Islamic ethics. In this research, with a descriptive-analytical method and using Islamic sources, we examine the challenges of bisexual education from the perspective of Islamic ethics. To achieve this, the arguments of the proponents of bisexual education, including the argument of polar confrontation, the supremacy of public space and the cause of oppression, have been considered. The rejection of bisexual education is explained. What has been obtained from this research shows that from the point of view of Islamic ethics, education should be appropriate to the gender of each person and in order to flourish their natural and innate talents.



فصلنامه دین پژوهی و کارآمدی



نکارآمدی تربیت دوجنسیتی در تقابل با اخلاق اسلامی

_____ سیده زهرا موسوی^{۱*}، محمدجواد فلاح^۲ _____

۱. دانشجوی دکتری، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

۲. دانشیار، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

DOI: 10.22034/NRR.2021.44935.1060

URI: https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_13615.html

چکیده

نویسنده مسئول:

سیده زهرا موسوی

ایمیل:

tobazm@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۱۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱



دسترسی آزاد

کلیدواژه‌ها:

آندروژنی، تربیت مطابق جنس، چالش اخلاقی.

تربیت دوجنسیتی به عنوان روش تربیتی نوین در برخی جوامع در حال گسترش است. این شیوه تربیتی که به لحاظ جنسی بین دختران و پسران تمایزی قائل نیست، به دنبال پرورش افرادی است که صرف نظر از جنس و متناسب با موقعیت، زنانه و یا مردانه رفتار کنند. به رغم دیدگاه جدیدی که این شیوه تربیتی مطرح می‌کند، در رویارویی با برخی علوم دچار چالش می‌شود. چالش‌های زیستی، روانشناسی و اخلاقی از جمله این چالش‌هاست. تبیین ابعاد مختلف چالش اخلاقی از نکاتی است که باید به آن پرداخت تا تقابل این رویکرد با آموزه‌های اخلاق اسلامی روشن شود. در این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع اسلامی، به بررسی چالش‌های تربیت دوجنسیتی از منظر اخلاق اسلام می‌پردازیم. برای رسیدن به این منظور استدلال‌های مدافعان تربیت دوجنسیتی از جمله استدلال تقابل‌های قطبی، برتری فضای عمومی و عامل ستم مورد توجه قرار گرفته و بعد از نقد و بررسی آنها، استدلال مبتنی بر تفاوتها، حکیمانه بودن ویژگی‌های اختصاصی و چالش تشبیه زنان و مردان، در ردّ تربیت دوجنسیتی تبیین شده است. آنچه از این پژوهش به دست آمد نشان می‌دهد که از نظر اخلاق اسلامی تربیت باید متناسب با جنس هر فرد و در راستای شکوفایی استعدادهای طبیعی و فطری آنها باشد.

بیان مسأله

شیوه تربیت و سبک زندگی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های فکری هر فرد است. انتخاب شیوه تربیتی مناسب که بتواند انسان را به فردی مفید و توانمند در جامعه تبدیل کند، سخت‌ترین انتخابی است که اگر کوچکترین اشتباهی در آن صورت گیرد، خسارات سنگینی برای فرد، خانواده و حتی جامعه به دنبال خواهد داشت. تربیت، پیوستاری است که علاوه بر امروز، با آینده فرد و جامعه گره خورده است و با نگاهی عمیق ادامه این پیوستار به آخرت نیز پیوند خواهد داشت. با این نگاه، یافتن شیوه تربیتی که فرد را مناسب با زمانه پرورش دهد و از طرفی آینده او را در دنیا و آخرت تأمین کند، از مهمترین مسائل محسوب می‌شود.

یکی از شیوه‌های تربیتی معاصر که در حال اجراست و طرفدارانی را به دنبال داشته «تربیت دوجنسیتی» یا اندروژنی است. دوجنسیتی بودن از واژه یونانی *sroand* (مذکر) و *gyne* (مونث) به معنی شرایطی است که همزمان مقداری ویژگیهای مردانه و مقداری ویژگیهای زنانه در یک فرد وجود دارد. (ربر، ۳۹۳: ۴۴) این رویکرد تربیتی با نگاه متفاوتی به جنس و جنسیت، شیوه خاصی از تربیت را ارائه می‌کند و افراد باید به گونه‌ای تربیت شوند که خصوصیات و ویژگی‌های زنانه و مردانه را توأمان داشته باشند و بتوانند به تناسب موقعیت، مردانه و یا زنانه رفتار کنند. این رویکرد تربیتی شکل جدیدی از نقش جنسی را پدید می‌آورد (Bem, 1974) و به دنبال پرورش افرادی است که تمایزی از لحاظ جنسی در ایفای رفتارها و نقش‌های خود در زندگی فردی و اجتماعی نداشته باشند. (اکشلال و دیگران: ۱۱۵) به گفته طرفداران این نظریه، کلیشه‌های جنسیتی مانع شکوفایی استعدادها و توانایی افراد مخصوصاً زنان می‌شود و موجب عقب ماندگی و تحت سلطه قرار گرفتن آنهاست. از این رو باید تربیت به صورتی باشد که هیچ‌گونه نقش اختصاصی را القا نکند. (منطقی، ۱۳۹۰: ۳۸۷-۳۸۸)

طبق این دیدگاه کلیشه‌های جنسیتی از طرف خانواده، جامعه و رسانه‌ها به کودکان آموخته می‌شود و به دنبال آن دختران و پسران در نقش‌های جنسیتی که از سوی جامعه و فرهنگ تحمیل شده، به ایفای نقش می‌پردازند؛ در حالی که باید تربیت کودکان به یک شکل و صرف نظر از جنس آنها صورت گیرد تا هر دو جنس توانایی‌های مشترک داشته باشند و طبق آن متناسب با موقعیت رفتار کنند. در این صورت برابری اجتماعی برای زنان و مردان فراهم شده و هرکس می‌تواند از فرصت‌های برابر جامعه برای رشد و شکوفایی خود استفاده کند. در محیط تربیت دوجنسیتی عروسک و ماشین در اختیار دختران و پسران قرار می‌گیرد و در نوع پوشش و رنگ نیز دختران و پسران به یک شکل لباس می‌پوشند، پدران و مادران نیز به تساوی به نان‌آوری و خانه‌داری اشتغال خواهند داشت. در صورتی که خانواده طبق این شیوه تربیتی رفتار کند، زنان می‌توانند با اشتغال به جایگاه اجتماعی و درآمدی دست‌یابند که باعث عزت نفس و شکوفایی استعدادهای آنهاست. (Antill & Cunningham, 1976, PP 207-195) مردان نیز فرصت بیشتری دارند تا در کنار فرزندان خود باشند و در تربیت آنها نقش موثر و مستقیم

داشته باشند. (اسمیت، ۱۳۹۱: ۹۵-۹۶) در برابر چنین دیدگاهی، نظریه رقیب معتقد است این نوع تربیت با ساحات وجودی انسان سازگاری ندارد و برعکس این دیدگاه استدلال‌هایی را مطرح می‌کند و ادعا می‌کند این دیدگاه از منظر روانشناختی، جامعه‌شناختی و زیستی و حتی پزشکی محل تأمل است. در ادامه به برخی از این چالشها اشاره می‌شود.

چالش زیستی چالش مهمی است که تربیت دوجنسیتی با آن روبروست. برخلاف نظر طرفداران تربیت دوجنسیتی، در جوامع علمی به اثبات رسیده که ساختار جسمی و روحی زن و مرد به گونه‌ای است که برای انجام برخی امور شایستگی بیشتری دارد. در یکی از مطالعات انجام شده، به این نتیجه رسیدند که اگر زنان بخواهند مانند مردان کارایی داشته باشند، لازم است مانند آنها ورزیده باشند و مقدار چربی بدنشان از ۱۵ درصد کمتر باشد. در این صورت اغلب، عمل تخمک‌گذاری متوقف می‌شود و نازایی پیش می‌آید. در این صورت شانس بقای بشر از دست می‌رود. (لنسکی و لنسکی، ۱۳۷۴: ۱۶۵) همچنین روشن شده است که هورمون مردانه تستوسترون و هورمون زنانه استروژن هر کدام عملکردی متناسب با وضعیت و ویژگیهای زنان و مردان دارند. (هینسون و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۱۱-۱۴۰)

تفاوت‌های روانشناختی بین زن و مرد از دیگر مواردی است که تربیت دوجنسیتی را با چالش روبرو می‌کند. به دنبال مطالعات بین دو جنس روشن شد که یکی از تفاوت‌های قابل توجه بعد روحی و روانی زن و مرد در مورد علایق و انگیزه‌های آنها است. متخصصان، علایق هر کس را زمینه ساز قابلیت‌ها و استعداد‌های او دانسته و انتخاب شغلی او را از این امر منشعب می‌دانند. همچنین این امر تاثیر زیادی در انطباق و سازش فرد در زندگی دارد. (بیره، ۱۳۷۷، ترجمه سروری، ۱۰۴) تجویز تربیت یکسان و شرایط و مشاغل و حتی شرایط یکسان در یک شغل با علایق متفاوت زنان و مردان، سازگاری ندارد و به عملکرد آنها لطمه می‌زند و در مواردی هم که شخص با انعطاف بیشتر خود را با شرایط منطبق کند، با تحمل شرایطی که با روحیه او سازگار نبوده دچار استرس و نگرانی می‌شود که احتمال آسیب‌های روحی و جسمی را افزایش می‌دهد. (اتکینسون، ریتال و دیگران، زمینه روانشناسی: ۱۶۵)

چالش دیگری که تربیت دوجنسیتی با آن مواجه است، چالشی با تربیت اخلاق اسلامی است. برخی منابع دینی به اختلاف زن و مرد در صفات و رفتار و ویژگیها تصریح کرده و تشبه هر دو جنس به یکدیگر را نکوهش کرده اند. (طبرسی، حسن، مکارم الاخلاق، ۲۳۹ و صدوق، محمد، علل الشرائع، ۲/ ۵۰۵ و لثی واسطی، علی،

عیون الحکم و المواعظ، ۲۴۴. فیض کاشانی، محمد محسن، نوادر الأخبار فیما يتعلق بأصول الدین، (۳۲۸) این دستورات دینی که برای رفتارها و صفات اخلاقی زنان و مردان چارچوبها و قواعدی را برشمرده‌اند، در تقابل جدی با تربیت دوجنسیتی هستند.

با توجه به این دو دیدگاه، هنگامی که یک مسلمان بخواهد از تربیت دوجنسیتی به عنوان یکی از شیوه‌های تربیتی مدرن استفاده کند، با این سوال مواجه می‌شود که آیا این شیوه تربیتی از جهت اخلاق اسلامی صحیح است؟ از یک طرف ادعا می‌شود که نتیجه این تربیت، بهرمندی از فرصت‌های برابر اجتماعی و خانوادگی است؛ از طرف دیگر، اسلام دستورات و برنامه‌های شرعی و اخلاقی خاصی برای مرد و زن دارد. از این رو توجه به چالش اخلاقی تربیت دوجنسیتی برای جوامع اسلامی اهمیت بالایی دارد؛ زیرا دین و حیانی اسلام معیاری برای محک و ارزیابی علوم و دانش‌های جدید به شمار می‌رود. در ادامه به برخی از آثار که در این زمینه نگاشته شده است، اشاره می‌شود.

آقای حسین بستان در کتاب نابرابری و ستم جنسی از دیدگاه اسلام و فمینیسم (بستان، ۱۳۸۲: ۹۹) به راهبردهایی اسلام و فمینیسم برای رفع ستم جنسی اشاره می‌کند. تربیت دوجنسیتی یکی از راهکارهایی است که فمینیسم مطرح می‌کند.

کتاب دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، کتاب جایگاه خانواده و جنسیت در نظام تربیت رسمی است. در این کتاب آقای زیبایی‌نژاد به مفهوم تربیت دو جنسیتی اشاره کرده و مفاهیمی همچون نقش جنسیتی و هویت جنسیتی و آندروژنی را مورد بررسی قرار داده است. (زیبایی نژاد، ۱۳۹۱: ۳۱-۴۲) از آنجا که بحث اصلی کتاب یاد شده، حول محور تربیت دوجنسیتی نیست نمی‌توان توقع داشت که از منظر اخلاقی این رویکرد تربیتی را مورد بررسی قرار داده باشد، هر چند در لابه لای مباحث به صورت گذرا و جزئی نقطه نظرات اسلام آمده است.

دکتر منطقی در بخش پایانی کتاب زن شرقی و مرد غربی (منطقی، ۱۳۹۹: ۳۸۰) که به روانشناسی اختلافی زن و مرد پرداخته است، به صورت مختصر به این رویکرد را اشاره کرده است.

پایان نامه‌ای با عنوان مقایسه نقش جنسیتی آندروژن با نقش‌های جنسیتی مردانه و زنانه و بررسی رابطه آنها با منبع کنترل درونی و بیرونی و حرمت نفس در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه علامه طباطبائی تهران (۱۳۸۰)،

۱. روایتی که از امام باقر نقل شده است که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَجْعَلِ الْغَيْرَةَ لِلنِّسَاءِ ... إِنَّمَا جَعَلَ اللَّهُ تَعَالَى الْغَيْرَةَ لِلرِّجَالِ طَبْرَسِي، حسن، مکارم الاخلاق، ص ۲۳۹ و صدوق، محمد، علل الشرائع، ج ۲، ص: ۵۰۵ خِيَارُ خِصَالِ النِّسَاءِ شَرَّارُ خِصَالِ الرِّجَالِ الزَّهْوُ وَالْجَبْنُ وَالْبُخْلُ لَيْثِي وَاسْطِي، علي، عيون الحکم و المواعظ، ص ۲۴۴. إِنَّ مِنْ أَسْرَاطِ الْقِيَامَةِ إِضَاعَةُ الصَّلَاةِ وَاتِّبَاعُ الشَّهَوَاتِ وَالْمِيلُ مَعَ الْأَهْوَاءِ ... يَشْبَهُ الرِّجَالُ بِالنِّسَاءِ وَالنِّسَاءُ بِالرِّجَالِ وَ يَرَكِبْنَ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ السُّرُوحَ فَعَلَيْهِمْ مِنْ أُمَّتِي لَعْنَةُ اللَّهِ» فیض کاشانی، محمد محسن، نوادر الأخبار فیما يتعلق بأصول الدین، ص ۳۲۸.

پایان نامه. کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی. تهران) توسط آناهیتا خدابخشی کولایی در دانشگاه علامه طباطبائی تهران نگاشته شده است که در آن به مقایسه بین دو نوع تربیت آندروژن با تربیت متناسب با جنسیت افراد پرداخته شده، بدون اشاره به اینکه این نوع تربیت مناسب است یا نه؟ در واقع نویسنده این نوع تربیت را در کنار شیوه‌های دیگر پذیرفته است.

پایان نامه‌ی دیگری نیز با عنوان بررسی رابطه بین طرحواره‌های جنسیتی و سازگاری اجتماعی نوجوانان شهر تهران (۱۳۸۱)، پایان نامه، کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا، تهران) در دانشگاه الزهرا توسط راضیه خالق باقری انجام شده است که به بررسی رابطه بین سازگاری اجتماعی با نوع تربیت نمونه‌های انتخابی پرداخته است. در این مورد نیز دیدگاه اخلاقی در مورد این رویکرد تربیتی وجود ندارد.

مقاله‌ای با عنوان «دوگانگی جنسی» (تازه‌های روان‌درمانی، ۱۳۷۷: ۳۰ - ۴۴) نوشته آقایان نجاریان و خداحیمی است که به بیان نظریه‌های مرتبط در این زمینه پرداخته و در ادامه، ویژگیهای افراد آندروژن و خانوادهایی که افراد آندروژن پرورش می‌دهند را بیان می‌کند. این مقاله بیشتر جنبه توصیفی داشته به نقد و بررسی این دیدگاه‌ها نپرداخته و اشاره‌ای هم به دیدگاه اسلام نکرده است.

«از تربیت دوجنسیتی تا ورای نقش‌های جنسیتی» (<http://ecpsychology.blogfa.com> ۱۳۹۲/۰۴/۲۲) عنوان مقاله‌ای در سایت مربوط به دانشگاه فردوسی مشهد است که بیشتر به بیان نظریه طرحواره‌های جنسیتی پرداخته و برخی نقدهایی را که به این نظریه وارد شده، را به صورت کوتاه بیان کرده است و در پایان در یک بند به صورت گذرا بیان کرده است که اسلام بنا بر شرایط و ویژگی‌های زنان و مردان کارها و وظایفی را به صورت خاص برای آنان قرارداده است.

در ادامه به برخی از مقالات خارجی در این زمینه اشاره می‌شود. پس از ارائه نظریه طرحواره جنسیتی در دهه ۷۰ مطالعات متعددی بر روی این نظریه انجام گرفت. از جمله می‌توان به مقاله‌ای با عنوان «طرح جنسیتی، پایداری جنسیتی و دانش نقش جنسی: نقش عوامل شناختی در ویژگی‌های جنسیتی نقش والدین در کودکان پیش دبستانی» اشاره کرد. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که شکل طرحواره جنسیتی و عوامل شناختی در نسبت دادن نقش‌های کلیشه‌ای به زنان و مردان ارتباط معنی‌داری دارد و در مقابل ثبات جنسیتی در این امر تأثیری ندارد.

(HYPERLINK"https://psycnet.apa.org/record/1989-29149-001". «Gender schema, gender constancy, and gender-role knowledge: The roles of cognitive factors in preschoolers' gender-role stereotype attributions.» Published on 1989/5 in Psycholog Developmental

مقاله‌ای در سالهای اخیر با عنوان «بازنگری آندروژنی: دیدگاه مدرن در مورد انعطاف پذیری هویت جنسی و رفتار» منتشر شده است. در این مقاله نظریه بم به عنوان شیوه جدید تفکر در مورد مرزهای جنسیتی معرفی

شده است که باعث بهبود سازگاری روانی شده است. نتیجه تحقیقات نشان می‌دهد هویت‌یابی جنسی در سلامت روان اهمیت دارد. در مقابل برخورداری از هویت جنس دیگر مزایای اجتماعی فراوانی را به همراه دارد که ممکن است به انعطاف‌پذیری مربوط شود.

«Reviving Androgyny: A Modern Day Perspective on Flexibility of Gender Identity and Behavior» Published on May 1, 2017 in Sex Roles

مقاله‌ای با عنوان «آندروژنی روانشناختی و سلامت روانی کودکان: نگاه جدید با اقدامات جدید» منتشر شده و به این نکته اشاره دارد که دوجنسیتی با تعدیل شناخت از کمترین تقابل قطبی جنسیتی برخوردار است و باعث تعادل و سلامت بیشتر است.

«Psychological Androgyny and Children's Mental Health: A New Look With New Measures. Published on Jun 1, 2017 in Sex Roles.»

با توجه به نوظهور بودن طرح تربیت دوجنسیتی، در منابع اسلامی اصیل و دست اول چنین عنوان‌هایی، وجود ندارد؛ در عین حال از لابه‌لای روایات مربوط به مسائل خانواده، زنان و مردان مطالبی وجود دارد که می‌توان در بحث تربیت دوجنسیتی از آن استفاده کرد. در ادامه به معرفی تعدادی از این منابع می‌پردازیم. شیخ صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه روایات معتبری که در زمینه مسائل فقهی و احکام شرعی است را در ابواب مختلف گردآوری کرده است. در برخی ابواب مانند باب نکاح، روایاتی در زمینه اخلاق و صفات مخصوص زنان آمده است. (صدوق، من لایحضره الفقیه، ۱۴۱۳: ۳، باب النکاح / ۳۷۹) طبرسی نیز در کتاب خود ابواب مختلفی از اخلاق را با عناوین خاصی مورد توجه قرار داده است که در ذیل عنوان نکاح به بررسی برخی مسائل مربوط به زنان پرداخته و به ویژگیهای اخلاقی آنان اشاره کرده است. (طبرسی، مکارم الاخلاق، ۱۳۷۰، باب النکاح ۱۶۹) پرسش اصلی در این پژوهش بر این مطلب استوار است که آیا می‌توان له یا علیه رویکرد تربیت دوجنسیتی استدلال آورد؟ در این صورت، استدلال‌های رقیب را چگونه می‌توان پاسخ گفت؟ از دیدگاه اخلاق اسلامی تربیت دوجنسیتی رویکرد مناسبی برای تربیت فرزندان است؟ اخلاق اسلامی چه دلیلی برای تربیت مطابق با جنس دارد؟ ما بر اساس دیدگاه تربیتی اخلاق اسلامی به بررسی این مسئله خواهیم پرداخت.

۱. دلایل طرفداران تربیت دوجنسیتی

در این قسمت به تبیین نظرات طرفداران تربیت دوجنسیتی اشاره می‌شود و استدلال‌های آنها مبنی بر برتری این رویکرد تربیتی بیان می‌شود. در ذیل هر استدلال نقدهای آن نیز آمده است.

۱-۱. استدلال تقابلهای قطبی

حامیان تربیت دوجنسیتی معتقدند ارزشهای مثبت، در طول تاریخ در انحصار مردها بوده و امور منفی به اجبار به زنان اختصاص یافته است. باید این تقابلهای ظالمانه تغییر یابد و فرصت استفاده از عرصه عمومی فرهنگ و عقل به زنان هم داده شود. برای این کار لازم است رویکردی مذکر - مونث اتخاذ شود و زنان و مردان به صورت مساوی از عرصه عمومی و خصوصی بهره‌مند شوند. (رودگر، ۱۳۸۸: ۷۰)

«به نظر فمینیست‌ها تاریخ تفکر سیاسی غرب آکنده از یک رشته تقابلهای قطبی است که به هریک از آنها ارزشی مثبت یا منفی اعطا می‌شود. دوگانگی‌های عمده اینها هستند: فرهنگ - طبیعت؛ عقل - عاطفه؛ عمومی - خصوصی؛ مذکر و مونث. ردیف اول این جفتها کنار هم گذاشته می‌شوند طوری که مذکر بودن هم‌ذات با فعالیت فرهنگی و عقل‌گرایی قلمداد می‌شوند، که هر دوی اینها در حوزه عمومی عمل می‌کنند. در مقابل مونث بودن همراه با طبیعت یعنی تولیدمثل و عاطفه است که به حیطة خصوصی خانه و خانواده تعلق دارد.» (الکشال و دیگران، ۱۳۸۵: ترجمه قائد، ۳۱۴)

در تمام تاریخ، سهم زنان، خانه، خانه‌داری و فرزندپروری بوده و آنچه که به مردان اختصاص یافته حضور در اجتماع و بهره‌مندی از فرصت‌های فرهنگی و اقتصادی و علمی بوده است. محرومیت ناشی از این تقسیم ناعادلانه که نصیب زنان می‌شود، زمانی به پایان می‌رسد که اجازه حضور اجتماعی به زنان داده شود و از طرفی مردان نیز مسولیت‌هایی را در حوزه خانه و خانه‌داری بر عهده بگیرند. این امر تنها با تربیت دوجنسیتی حاصل می‌شود و تحقیقات نیز حاکی از آن است که این رویکرد تربیتی سلامت روانی را برای هر دو جنس به همراه دارد. (۵۹۲ - Andrews and others, 2017, 603)

نقد استدلال

در این استدلال ارزش‌گذاری و فضیلت بودن بر مبنای تفکر حاکم بر غرب با نوعی نگاه خاص مبتنی بر فرهنگ غرب صورت گرفته است. این نوع نگاه به اعتراف خود غریبه‌ها دارای دو ویژگی مذکر محور و دو قطبی بودن است. (سفیری و ایمانیان، ۱۳۹۴: ۵۰) به عبارت دیگر در جامعه غرب همه چیز با دو برجسب زنانه یا مردانه شناخته می‌شود و هر چه به مرد و مردانگی مربوط می‌شود خوب است و هر چه به زن و زنانگی مربوط می‌شود بی‌ارزش و پست است. طبق این نگاه آنچه برای زنان پذیرفتنی و شایسته است برای مردان قابل قبول نیست و برعکس. همچنین دوری کردن از استانداردهای زنانگی و مردانگی غیر طبیعی و یا غیر اخلاقی است. از نظر بزم این تصورات بخشی از طرحواره جنسیتی درونی شده افراد است. نتایج تحقیقات نیز این امر را تایید می‌کند. (Arnie, 1993 و Barbara, 1978 و Bem, 1981)

بر اساس آموزه های دینی این تقسیم بندی با نگاه اسلامی و معیارهای دینی مخالف است. در دیدگاه اخلاق اسلامی زن و مرد یکسان هستند و هیچ کدام بر دیگری برتری ندارد و تنها ملاک برتری تقوا است. «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (۱۳/ حجرات) همانا بزرگوار و با افتخارترین شما نزد خدا با تقواترین شمایند. «وقتی ملاک برتری، تقوا باشد هر کس با هر جنس و در هر کجایی که باشد می تواند فضیلت مند و ارزشمند باشد. مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۹۷ نحل) هر کس از مرد و زن عمل شایسته کند و مؤمن باشد او را زندگی نیکو دهیم و پاداششان را بهتر از آنچه عمل می کرده اند می دهیم.» علامه طباطبایی معتقد است که طبق آیات قران، اخلاق اسلامی به عنوان یکی از مولفه های تقوا در زن و مرد مساوی است و اگر زن در رتبه بالایی از اخلاق و علم و دانش، باشد نسبت به مردی که از این جهت پایین باشد، برتری دارد. (طباطبایی، المیزان، ۲/۲۷۰) بنابراین تقابل فقط بین رذائل و فضایل است. همچنین ایشان در مورد تفاوت نقش های جنسیتی زن و مرد معتقد است که به جهت اختلافی که بین جنس زن و مرد است و در علوم تجربی و فیزیولوژیک نیز ثابت شده است، غالباً مردان از جهت نیروی بدنی و عضلانی و تعقل نسبت به بیشتر زنان قوی تر هستند و در مقابل احساسات لطیف مانند دوستی و رقت قلب و گرایش به زیبایی در زن بیشتر از غالب مردان است. به دنبال این تفاوت، اسلام نسبت به وظایف و تکالیفی که مبتنی بر تعقل و احساس هست، تفکیک قائل شده و کاری که ارتباط با تعقل دارد مانند جنگ و قضاوت و ولایت به مرد و کاری که ارتباط با عواطف و احساسات دارد مانند نگهداری و پرورش کودک به زن واگذار شده است. (همان: ۲۷۵) به عبارت دیگر در تقسیم وظایف و تکالیف اختصاصی زن و مرد به پیش نیازها و امکانات مورد نیاز آن در هر جنس توجه شده و هیچ تقابل و برتری نسبت به یکدیگر برای آنها قائل نشده است. عملکرد هر کدام از زن و مرد مانند عملکرد اعضای بدن است که نمی شود گفت یکی بر دیگری برتری دارد، زیرا هر کدام در جایگاه خود دارای ارزش و اهمیت هستند و نبود هر کدام خللی در سیستم بدن ایجاد می کند. در جامعه بشری نیز جنس زن با توجه به توانایی هایش وظیفه انجام کاری را بر عهده دارد و جنس مرد نیز همین طور و این دو در کنار هم می توانند باعث تکامل نظام خلقت شوند. در قرآن نیز آمده است که «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا... (نساء/ ۳۲) نسبت به آنچه خدا به دیگران مرحمت فرموده تمنا نکنید، زیرا این خدا است که - به مقتضای حکمتش - بعضی را بر بعضی برتری داده، هر کسی چه مرد و چه زن بهره مندیش از کار و کسبی است که دارد...» در این آیه تصریح شده است که بین انسان ها چه صنف زنان با مردان و چه زنان با خودشان و مردان با خودشان تفاوتی وجود دارد که ممکن است دیگران آرزوی آن را داشته باشند. بنابراین در اسلام وجود تفاوت ها مورد قبول است و عکس العمل و رفتاری که در مقابل آن مورد توقع است این است که کسی آن برتری ها را آرزو نکند و به دنبال دست یافتن به آنها نباشد. علامه طباطبایی

در تفسیر این آیه به این نکته اشاره می‌کند که این برتری‌ها به دلیل خاصیتی است که در خلقت هر یک از آنها و بنا بر حکمت و مصلحتی وجود دارد و برای برقراری نظام خلقت ضروری است (طباطبایی، المیزان، ۴/ ۳۳۶). مثلاً برخی برتری‌های مرد و زن به دلیل ویژگی‌های جسمی است که در خلقت آنها وجود دارد. در ادامه آیه نیز این نکته وجود دارد که برای زن و مرد هر کدام بهره‌ای است از آن چه که به دست می‌آورند. یعنی زن اگر به دلیل ویژگی‌های طبیعی برتری دارد و یا به وسیله اکتساب به چیزی دست می‌یابد، بهره‌اش برای خودش است و مرد نیز همین‌گونه است. (مکارم، نمونه، ۳/ ۳۶۳)

از طرف دیگر دو قطبی که در غرب وجود دارد در اسلام دیده نمی‌شود. به عنوان مثال در مورد کارهای منزل توصیه‌هایی به مردان شده است که آنها را به مشارکت و همیاری در کارهای منزل عوت می‌کند. (شعیری، بی‌تا: ۱۰۲). بنابراین خانه داری به زنان اختصاص ندارد. در مقابل به زنان نیز اجازه کار و کسب درآمد با رعایت ضوابط و حفظ حقوق خانواده را دارند. همانطور که در روایت به زنان شاغل اشاره شده است. (صدوق، ۱۴۱۳: ۳/ ۲۷۳) در نتیجه اشتغال و فعالیت اجتماعی نیز به مردان اختصاص نیافته است. با توجه به مطالب فوق باید گفت دو قطبی در دیدگاه اسلام مطرح نیست و این ارزش‌گذاری برای کارها و نقش‌ها در اخلاق اسلامی مورد قبول نیست تا ظالمانه تلقی شوند و به دنبال اصلاح و تغییر آن باشیم.

۱-۲. استدلال برتری فضای عمومی

در دیدگاه فمینیسم لیبرال به عنوان خاستگاه تربیت دوجنسیتی، فضای خصوصی برای زن، مملو از تقاضاهای تمام نشدنی است. فضایی که در آن زنجیره‌ای از کارهای بی‌اجر و مزد باید انجام شود و خدمات عاطفی و عملی و جنسی ارائه شود؛ در حالی که پاداش‌های واقعی، بلوغ فکری، تجربه زندگی با جمع، همه در فضای عمومی وجود دارد. نابرابری جنسیتی به خاطر وجود همان نظامی است که فضای خصوصی را برای زن خلق می‌کند و به او مسئولیت‌های خاص در این فضا می‌دهد و همسران آنها را از کار طاقت فرسای فضای خصوصی معاف می‌کند. (نرسیسیاس، ۱۳۸۳: ۱۳۴) تا زن مسئولیت کارهای خانه و نگهداری از فرزند را بر عهده دارد، این تقاضاها ادامه دارد و زمینه‌ای برای ترقی زن نخواهد بود. زمانی این تقسیم بندی نابرابر از بین می‌رود که زنان از قید و بند اشتغالات فضای خصوصی رها شوند و خود را به فضای عمومی برسانند.

نقد استدلال

این ارزش‌گذاری ناشی از دید لیبرال و منفعت‌طلبی است که منافع را در دنیا و مواهب آن منحصر می‌داند و به دنبال دست‌یابی به منافع مادی و آزادی‌های فردی است. در مورد بنیان‌های فکری لیبرال آمده است که در این دیدگاه انسان نوعاً موجودی عقلانی و در پی نفع خود و رقابت جوست. در این اندیشه، عامل، فرد است و در پی

رشد آزادی هر شخص‌اند و برای رسیدن به این هدف، به دنبال رفع محدودیتها و موانع آزادی هستند و هر فرد بهترین قاضی درباره منافع خویش است. (بال و دگر، ۱۳۸۶: ۷۰-۷۲)

دید فردگرایانه و منفعت طلبی شخصی باعث شده است که در تقابل‌های دو قطبی هر کدام از عرصه‌ها که منافع فردی و مادی را بتواند تامین کند برتر و باارزش‌تر باشد. با این دید عرصه عمومی و نقش‌های مردانه که بیشترین درآمد و توجه عمومی را برای فرد فراهم می‌کند دارای ارزش و اهمیت است. از این رو است که منافع معنوی و آخرتی و جمعی در این دیدگاه فاقد ارزش است و در ارزیابی‌ها به شمار نمی‌آید و زنان که با سرمایه‌های معنوی به کار در عرصه‌های خصوصی و برآوردن نیازهای عاطفی و روحی همسر و فرزندان خود برمی‌آیند؛ کارشان فاقد ارزش است. در حالی که در تفکر اسلامی هر کس در هر جایگاهی که قرار دارد اگر با نیت قرب الهی به کار مشغول باشد دارای ارزش معنوی است. در دیدگاه اسلام عرصه عمومی و خصوصی عرصه عمل و حرکت به سوی خداست و از این جهت فرقی بین عرصه خصوصی و عمومی نیست و از طرفی منافع منحصر به منافع دنیایی نیست.

۱-۳. استدلال عامل ستم

از نکات برجسته‌ای که در دیدگاه فمینیسم لیبرال وجود دارد انتقاد آنان نسبت به نقش‌های جنسیتی و کلیشه‌های جنسیتی است. با استناد به تحقیقات علمی می‌توان با صراحت اعلام کرد که این کلیشه‌ها در بین مردم نهادینه شده و بر اساس آنها ارزشگذاری می‌کنند (678-667, Amie, 1993) فمینیسم لیبرال به عنوان منشا تربیت دوجنسیتی این نقش‌های کلیشه‌ای را زمینه‌ساز تبعیض و ظلم جامعه نسبت به زنان می‌داند. از این رو به دنبال رها کردن زنان از بند این نقش‌ها است. «آرزوی لیبرال فمینیست‌ها رهایی زنان از قید نقش‌های سرکوب‌گر جنسیتی است. یعنی نقش‌هایی که دستاویز یا توجیهی برای اختصاص جایگاهی نازل‌تر به زنان است.» (تانگ، ۱۳۹۴: ۵۴) آنان معتقدند که جامعه مردسالار برخی مشاغل را که با خصلت‌های زنانه نظیر از خود گذشتگی سازگار است، برای زنان مناسب می‌داند و کارهایی که مرتبط با خصلت‌های مردانه نظیر اعتماد به نفس و ارتقای نفس است، برای زنان مناسب نیست. فمینیسم لیبرال معتقد است که برای دست یافتن به برابری در جامعه، باید بین زن و مرد در ایفای نقش، تساوی و برابری برقرار شود. (همان)

نقد استدلال

نقش‌های کلیشه‌ای مادر و همسر، و شوهر و پدر در فرهنگ غرب به گونه‌ای تعریف می‌شود که زمینه ساز تبعیض و ظلم نسبت به زنان می‌شود. در دوران پدرسالاری غرب، پدر جایگاه فعالی در زندگی همسر و فرزندان نداشت، گاهی نیز به گونه‌ای بود که فرزند در سالهای ابتدایی زندگی از وجود فردی به عنوان پدر بی‌خبر بود. (بادانتر، ۱۳۷۷: ۲۰۱) در توصیف مردان چنین نوشته‌اند که در بین گروه‌های کارگری «شوهر هیچ کاری را در

خان بر عهده نمی‌گرفت و وقت آزاد خود را عمدتاً در میخانه می‌گذراند و یا به ماهیگری سرگرم می‌شد.» (سگالن ۱۳۹۳: ۲۴۹) جایگاه زنان در غرب، جایگاه انسانی نبوده و بنا به گفته شهید مطهری «در ناقص الخلقه بودن زن پیش از آن که در میان ما مردم مشرق زمین مطرح باشد، در میان مردم غرب مطرح بوده است. غربیان در طعنه به زن و ناقص خواندن وی بیداد کرده‌اند و گفته‌اند: «زن باید از اینکه زن است شرمسار باشد»، «زن برزخ میان حیوان و انسان است» اینها نشان از جایگاه پست زن در میان غربیها دارد. (مطهری، ۱۳۷۹: ۱۹ / ۱۷۵) مطالعات علمی در جوامع غربی نیز بر این امر تاکید دارد که نابرابری جنسیتی و ستم به زنان نهادینه شده است. (Martin and others. 1989, pp. 173-193)

روی هم رفته نگاه پست و نامتوازن غرب به زن و فرزند باعث پیدایش تربیت دوجنسیتی شده است. در حالی که این زمینه‌های فکری در اسلام وجود ندارد. طبق تربیت اخلاقی اسلام زن و فرزند و شوهر هر کدام در زندگی فردی و اجتماعی از جایگاه انسانی برخوردار هستند و به تبع از حقوقی برخوردارند که باید از جانب طرف مقابل رعایت شود. از سوی دیگر معیار ارزش و برتری به تقوا و بندگی خدا است و پاداش‌ها در منافع مادی و دنیوی خلاصه نمی‌شود و قسمت عمده و اصلی منافع افراد در پاداش اخروی است. در خصوص نقش‌های مادری و همسری در اسلام علاوه بر حقوق شرعی و اخلاقی که برای زنان در نظر گرفته شده، پاداش‌های معنوی نیز برشمرده شده است. در روایتی از پیامبر نقل شده: «أَيُّمَا امْرَأَةٍ رَفَعَتْ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا شَيْئًا مِنْ مَوْضِعٍ إِلَى مَوْضِعٍ تُرِيدُ بِهِ صَلَاحًا نَظَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهَا وَمَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهَا لَمْ يُعَذِّبْهُ (صدوق، ۱۳۷۶: ۴۱۱) هر زنی در خانه شوهر برای اصلاح، چیزی را جابجا کند، خدای عز و جل به او نظر کند و هر که خدا به او نظر کند، عذابش نکند.» در روایت دیگر چنین آمده: «إِذَا حَمَلَتِ الْمَرْأَةُ كَانَتْ بِمَنْزِلَةِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْمُجَاهِدِ بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِذَا وَضَعَتْ كَانَتْ لَهَا مِنَ الْأَجْرِ مَا لَا تَدْرِي مَا هُوَ لِعَظَمَتِهِ فَإِذَا أَرْضَعَتْ كَانَتْ لَهَا بِكُلِّ مِصَّةٍ كَعَدْلِ عَتَقٍ مُحَرَّرٍ مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ فَإِذَا فَرَعَتْ مِنْ رِضَاعِهِ ضَرَبَ مَلَكٌ عَلَى جَنْبِهَا وَقَالَ اسْتَأْنَفِي الْعَمَلَ فَقَدْ غُفِرَ لَكَ (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۸ / ۳۲۷) چون زنی آبستن شود مقام روزه‌دار و شب‌زنده‌دار و مجاهد با جان و مالش را در راه خدا دارد و چون بزاید اجری دارد که کس عظمت آن را نداند و چون طفل را شیر دهد به هر مکیدنی ثواب آزاد کردن یک بنده از اولاد اسماعیل دارد و چون از شیر دادن فارغ شود، فرشته‌ای بر بر پهلویش زند و گوید کار خود را از سر گیر که آمرزیده شدی.» این پیام‌ها حاکی از پاداش اخروی و اهمیت رفتارهای زنانه است.

علاوه بر مطالب پیش گفته شواهدی در میان آموزه‌های دینی وجود دارد که استدلال فوق را رد می‌کند. در ادامه به بررسی برخی از این موارد می‌پردازیم.

الف- روایات تشویق مردان به کار در منزل

«يَا عَلِيُّ سَاعَةٌ فِي خِدْمَةِ الْعِيَالِ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ أَلْفِ سَنَةٍ» (شعیری، بی تا: ۱۰۲) یا علی یک ساعت خدمت در خانه بهتر است از عبادت هزار ساله است. این روایات نشان از توجه و تاکید اسلام به حضور و مشارکت مرد در امور خانه‌داری است.

ب- روایات حق تربیت

«يَا عَلِيُّ حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى وَالِدِهِ أَنْ يُحْسِنَ اسْمَهُ وَ أَدَبَهُ وَ يَضَعَهُ مَوْضِعاً صَالِحاً» (صدوق، ۱۴۱۳: ۳۷۲/۴) حق فرزند بر پدر این است که نام او را نیکو بگذارد، و او را ادب بیاموزد، و به مقام شایسته‌ای برساند. این دسته از روایات نه تنها پدر را به مشارکت در تربیت فرزند دعوت می‌کند؛ بلکه تربیت فرزند را حقی بر گردن پدر می‌داند و قائل به مشارکت پدر در امر نگهداری فرزندان است.

ج- روایات حضور اجتماعی زنان

حضرت زینب به عنوان بانوی نمونه اسلام در زمان حکومت امام علی علیه السلام، کلاس تفسیر برای زنان کوفه برقرار کرده بودند و برای آنها قرآن را تفسیر می‌کردند. (محلّاتی، ۱۳۷۳: ۳/۵۷) برگزاری جلسات علمی برترین نمود حضور علمی اجتماعی است که می‌توان به آن اشاره کرد. با توجه به این سیره می‌توان گفت اسلام نه تنها با حضور اجتماعی زنان مخالفتی ندارد بلکه خاندان ولایت به این امر مشغول بودند و این تاییدی است بر جواز حضور زنان در عرصه‌های علمی - اجتماعی؛ البته در قرآن ذیل آیه ۱۲۲ سوره توبه که مومنین را به تفقه در دین امر می‌کند، اطلاق آیه شامل زنان و مردان می‌شود. «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» و شایسته نیست مؤمنان همگی [برای جهاد] کوچ کنند پس چرا از هر فرقه‌ای از آنان دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا [دسته‌ای بمانند و] در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را وقتی به سوی آنان بازگشتند بیم دهند باشد که آنان [از کیفر الهی] بترسند. آیه به صورت عام بیان شده و اختصاص به مردان ندارد. با این دید حضور در مجامع علمی نه تنها جایز بلکه واجب نیز می‌شود. در بحث حضور اقتصادی زنان نیز روایاتی وجود دارد مبنی بر اینکه در زمان پیامبر زنانی بودند که به خرید و فروش می‌پرداختند^۲ و پیامبر منعی نسبت به رفتار آنها نداشته است. (صدوق، ۱۴۱۳: ۳/۲۷۳)

۲. برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه می‌توانید به مقاله «مواجهه و تعامل اجتماعی پیامبر با زنان مدینه» نوشته رویا باقری مراجع کنید. (2 اسلام و مطالعات اجتماعی، سال ششم، شماره اول، تابستان ۹۷، صص ۱۱۷-۱۳۹) همچنین، مقاله مشاغل زنان در عصر رسالت.

<https://farsi.al-shia.org/%d9%85%d8%b4%d8%a7%d8%ba%d9%84-%d8%b2%d9%86%d8%a7%d9%86-%d8%af%d8%b1-%d8%b9%d8%b5%d8%b1-%d8%b1%d8%b3%d8%a7%d9%84%d8%aa-1/>

د. روایات توصیه مردان به رعایت اخلاق

در زمینه رعایت اخلاق در مورد زنان به مردان توصیه‌های فراوانی در اسلام وجود دارد. از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْسَنَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ زَوْجَتِهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ مَلَكَهُ نَاصِيَتَهَا وَجَعَلَهُ الْقِيمَ عَلَيْهَا (طبرسی، ۱۳۷۰: ۲۱۷) خداوند رحمت کند بنده‌ای را که به نیکی با زوجه‌اش رفتار کند. زیرا که خداوند عز و جل اختیار زن را بدست او سپرده و او را نفقه خور مرد قرار داده است.» همچنین در کلام دیگر آمده است: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ يَعْوَلُ (کلینی، ۱۴۰۷: ۴ / ۱۲) از رحمت خدا بدور است، از رحمت خدا بدور است آنکه نفقه‌خوران خویش را ضایع گذارد و به آنها و نیازشان نرسد.» با این دید نه تنها نقش‌های کلیشه‌ای مادری و همسری زمینه ساز ظلم بر زنان نیست بلکه موجبات رشد و ترقی معنوی آنها را نیز فراهم می‌کند.

با توجه به آموزه‌های اخلاق اسلامی می‌توان نقش‌های فردی و خانوادگی و اجتماعی را به سه قسمت تقسیم کرد. قسمتی مختص زنان و قسمتی مختص مردان و قسمت عمده‌ای هم مشترک بین زنان و مردان است. در این تقسیم‌بندی باید زنان و مردان در نقش اختصاصی خود ایفای نقش کنند و نباید در نقش‌های اختصاصی یکدیگر ورود پیدا کنند؛ اما قسمت عمده‌ای از نقش‌های اجتماعی و فردی و خانوادگی در اسلام وجود دارد که در شرایط عادی بین زن و مرد مشترک است. سفارش اسلام در این حیطة از زندگی تعامل و مشارکت و همیاری و همکاری است. آن دسته از روایات که مردان را به کار در منزل تشویق می‌کند همچنین روایات مربوط به تربیت فرزند به قسمت مشترک نقش‌ها اشاره دارد که اختصاص به زن یا مرد ندارد و تاکید اسلام همیاری و همکاری است. درآمدزایی و اشتغال نیز اختصاص به مردان ندارد و در صورت رعایت موازین شرعی و عدم تضییع حقوق همسر و فرزندان منعی ندارد، به خصوص زمانی که زن مجبور به تامین مخارج خانواده است؛ اما آنچه که مورد تاکید اسلام است، عدم تغییر نقش‌های اختصاصی زنان و مردان و رعایت کردن حقوق و موازین شرعی است.

تفاوت دیدگاه اسلام با غرب در تعریف نقش‌های زنانه و مردانه باعث برداشت اشتباه از روایات می‌شود. در فرهنگ غرب هر کاری که به خانه و خانواده مربوط شود مختص زنان است و هر کاری که به بیرون از خانه مربوط است مردانه محسوب می‌شود. در حالی که در تقسیم اسلامی نقش اختصاصی زنان، وظایفی است که فطری و ذاتی آنها و طبق حقوقی است که خداوند انجام آنها را برایش واجب کرده است. نقش اختصاصی مردان نیز وظایفی است که مطابق با فطرت و حقوقی است که خداوند بر عهده آنها نهاده است. با این تفسیر محدوده مشترک باقیمانده، محدوده وسیعی است که زن و مرد باید با همکاری و با رعایت موازین شرعی در آن به فعالیت بپردازند و هیچ منع و خط قرمزی جز حدود الهی وجود ندارد. اگر دیدگاه تربیت دوجنسیتی را در این قالب قرار دهیم آن قسمتهایی که مربوط به حیطة مشترک را در بر می‌گیرد مورد قبول و تاکید اسلام است و موجب سلامت روحی

در خانواده می‌شود. به همین دلیل تحقیقاتی که در غرب با رویکرد تربیت دوجنسیتی انجام می‌شود حاکی از آن است که افراد با این رویکرد از سلامت روحی و انعطاف‌پذیری برخوردارند. (Martin and others. 1989, 173-193) اما آنجا که ورود به حیطة خصوصی هر جنس است از نظر اسلام ممنوع است و غرب نیز درگیر عواقب ناخوشایند و چالش برانگیز آن است. در واقع غرب در گذشته دچار تفریط بود و با رویکرد تربیت دوجنسیتی دچار افراط شده است.

۲. دیدگاه برگزیده

ما بر این باوریم تربیت دوجنسیتی نمی‌تواند راهبرد صحیحی در تربیت باشد. ما با نگاه اخلاق اسلامی استدلال‌هایی برای ایده خود به عنوان یکی از حقوق مسلم زن و مرد؛ یعنی تناسب تربیت زن و مرد با نوع زیستشان، بیان می‌کنیم.

۲-۱. استدلال مبتنی بر تفاوت‌ها

با توجه به وجود تفاوت‌هایی در ابعاد مختلف بین زن و مرد که مطالعات و پژوهش‌ها نیز بر آن تاکید دارند، (765- Sweeny and others 2019, 778) لنسکی و لنسکی، ۱۳۷۴: ۱۶۵ و حسینی زاده، ۱۳۹۳: ۱۷۷ و هینسون و دیگران، ۱۱۱: ۱۳۹۰-۱۴۰)

در روایات دستورات متفاوتی در مورد تربیت دختر یا پسر آمده است که نشان از این دارد که اسلام شیوه تربیتی خاصی را در مورد دختر و پسر مد نظر دارد و از اینکه هر دو جنس با یک شیوه تربیت پرورش یابند موافق نیست. در روایت نقل شده است فردی از امام صادق علیه السلام در مورد زینت با طلا سوال کرد و امام علیه السلام در پاسخ چنین فرمودند: «نَعَمْ النِّسَاءَ وَالْجَوَارِيَ فَأَمَّا الْغُلَمَانَ فَلَا. (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۲/ ۱۴۳) برای زنها و کنیزها و دخترها آری و اما برای پسر بچه‌ها نه.» در این روایت زینت با طلا اختصاص به زنان و دختران داده شده و پسران و مردان منع شده‌اند. در روایت نبوی دیگری در مورد رفتار با دختران چنین نقل شده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَنْ دَخَلَ إِلَى السُّوقِ فَاشْتَرَى تُحْفَةً... وَ لِيَبْدَأَ بِالْإِنَاثِ قَبْلَ الذُّكُورِ .. (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲/ ۴۲۹) هر کس به بازار رود و هدیه‌ای بخرد... در دادن هدیه، نخست از دختران شروع کند...» این روایت نیز شیوه خاصی از رفتار را توصیه می‌کند. بنابراین نباید از شیوه تربیت مشترک بین دختر و پسر استفاده کرد.

۲-۲. استدلال حکیمانه بودن ویژگی‌های اختصاصی

با توجه به اینکه ما خالق جهان را حکیم می‌دانیم تمام افعال او نیز دارای حکمت است. پس وجود تفاوت میان زن و مرد حکمتی دارد که نباید از آن چشم‌پوشی کرد. از آنجا که در تربیت دوجنسیتی تفاوت‌های میان زن و مرد نادیده گرفته می‌شود، حکمت تفاوتها نیز نادیده می‌شود. بنابراین تربیت دوجنسیتی مخالف حکمت و غیر اخلاقی است.

بر همین اساس اگر زن و مرد با هم متفاوت هستند، جهان نیز برای آنها یکسان نیست. از این رو طبیعت و خلقت نیز آنها را به یک شکل نمی‌خواهد. (مطهری، ۱۳۷۹: ۱۹/ ۱۳۷) شهید مطهری در مورد حقوق طبیعی افراد می‌گوید: «حقوق» طبیعی و فطری که با توجه به هدف خلقت هر موجودی برایش معین شده، او را به سوی کمالی که استعدادش را دارد، می‌کشاند. از این رو هر استعداد طبیعی که در موجودات هست، یک حق طبیعی برایشان محسوب می‌شود. (همان: ۱۵۸) به عبارت دیگر اگر زنان دارای غریزه مادری هستند به فعلیت رساندن این غریزه کمال محسوب می‌شود و یا اینکه اگر مردان روحیه حمایت‌گری دارند، این استعداد باید به فعلیت برسد تا مرد به کمال برسد.

دیدگاه اسلام در برابر تناسب جنسیت با نقش‌های جنسیتی را می‌توان چنین تعبیر کرد که «اسلام تفاوت در زیست‌شناسی تولید مثل، تفاوت در نیازهای جنسی، تفاوت در قوای ادراکی و عواطف و تفاوت در قدرت جسمی را به عنوان واقعیت‌های عینی مفروض گرفته است و از سوی دیگر برای نظام مطلوب خانواده، اهدافی را مقرر کرده است که آرامش روانی همسران، تربیت فرزندان سالم، سلامت اخلاقی جامعه و امنیت جنسی، مهم‌ترین آنها به شمار می‌رود. از این رو الگوی مطلوب رفتار و روابط زن و مرد از یک سو برخاسته از واقعیت‌های طبیعی مفروض و از سوی دیگر معطوف به برآوردن اهداف تعیین شده است.» (بستان، ۱۳۸۸: ۳۹)

در تحقیقات علمی به این نتیجه رسیدند که «از میان تفاوت‌هایی که بین دوجنس دیده می‌شود، برخی ناشی از یادگیری اجتماعی و برخی ناشی از آمادگیهای زیست‌شناختی آنهاست. اما حتی تفاوت‌هایی که مبنای زیست‌شناختی دارند، ممکن است بر اثر یادگیری تغییر کنند.» (اتکینسون و دیگران، ۱۳۷۱: ۱۶۷) به عبارت دیگر نقش‌های جنسیتی که مطابق ساختار زیست‌شناختی انسان‌ها هم هست، ممکن است با آموزش تغییر کند. یعنی با آموزش و ممارست مردها که از روحیه خشن‌تری نسبت به زنان برخوردارند، می‌توانند مریبان خوبی برای پرورش و تربیت نوزادان و کودکان بشوند و یا زنان که از قدرت بدنی بالایی برخوردار نیستند با تمرین و ممارست می‌توانند از پس کارهای سنگین بریابند؛ ولی همانطور که گفته شد هر استعداد طبیعی یک حق طبیعی است که سعادت فرد در شکوفایی آن است. یعنی زنی که، هم و غم خود را در تجارت و کسب درآمد قرار دهد، هرچند در کار خود، یک مدیر موفق و یا یک تاجر موفق باشد، باز هم به سعادت خود که همان شکوفایی استعدادهايش است، نمی‌رسد و اگر مردی، تمام تلاش خود را در نگهداری از کودک و تربیت او قرار دهد، اگر چه در کار خود موفق باشد، باز هم به سعادت و کمال واقعی خود دست نمی‌یابد، چون استعداد او در زمینه دیگری است. شاید گفته شود اگر ویژگی با آموزش تغییر کند، مخالفت با حق و استعداد طبیعی او نیست. باید گفت تغییر شرایط باعث تغییر حقوق طبیعی و استعدادهای ذاتی افراد نمی‌شود. به عنوان مثال فرزندپروری یکی از حقوق طبیعی زن است که با ساختار جسمی او سازگار است. ساختار زیستی زنان به گونه‌ای است که مغز زن در مواجهه با نوزاد و

لمس او و مکیدن شیر توسط نوزاد مواد شیمیایی از خود ترشح می‌کند که مغز را برای فعالیت‌های مادرانه آماده و تقویت می‌کند. (بریزدین، ۱۳۹۵: ۱۱۴) مهمترین هورمونی که در این زمینه نقش بازی می‌کند هورمون اکسی‌توسین^۳ است. اگر چه ترشح این هورمون هم در زنان و هم در مردان وجود دارد، ولی کارکرد آن در زنان علاوه بر آرامش بخشی که بین دو جنس مشترک است، موجب تولید شیر در مادر می‌شود و این کارکردی است که اختصاص به مادران دارد و مغز زن این مسئولیت را بر عهده دارد. از دیگر کارکردهای عجیب این هورمون برای مادران این است که تحمل یکنواختی را بیشتر می‌کند و زمینه ساز خرسندی آنها را فراهم می‌آورد و این یک امر طبیعی است برای اینکه زن برای مادری مهیا شود و بتواند نیازها و خواسته‌های نوزاد خود را برآورده کند. (رودز، ۱۳۹۲: ۲۲۲) تمام این تمهیداتی که در ساختار زیست شناختی زنان قرار دارد نگهداری از نوزاد و تامین نیازهای جسمی و عاطفی کودک را برای زن راحت تر می‌کند؛ اما زمانی که مردان خود را برای نگهداری کودک آماده می‌کنند هر چند از لحاظ روحی و عاطفی و حتی جسمی خود را برای این کار آماده کنند، نسبت به زنان توانایی چندانی نخواهند داشت و برای انجام این مسئولیت، سختی زیادی را باید تحمل کنند. به عبارات دیگر خمیرمایه وجودی مردان برای این کار مهیا نشده است برخلاف بدن زن که تمام این تمهیدات را دارد. بنابراین اگر با آموزش نیز تغییر حاصل شود تاثیری بر خلقت و طبیعت افراد نخواهد داشت.

تاکید اسلام، عدم تغییر نقش‌های اختصاصی زنان و مردان است. شاید دلیلش این باشد که تغییر نقش‌ها موجب تغییر ویژگی‌های اختصاصی زن و مرد می‌شود که در این صورت انحراف از مسیر طبیعی خلقت و مخالف با سعادت انسان و زندگی اجتماعی و خانوادگی و لوازم آن است. به عنوان مثال اگر مردها با ایفای نقش زنانه، مانند آنها دارای طبع لطیف و روحیات حساس شوند، در صورتی که نیاز به مردان قدرتمند و شجاع برای دفاع از میهن و شریعت باشد، چه پیش خواهد آمد؟ یا اینکه زنان با اشتغال به کارهای مردانه، وظایف طبیعی خود مانند مادری و همسری را ترک کنند. شاید گفته شود در تربیت دوجنسیتی هر دو روحیه وجود دارد و در زمان لازم مردها مردانه و زنان زنانه رفتار خواهند کرد. اما تا آنجا که بر روی این نوع تربیت مطالعه شده، نتیجه، به شکل مطلوب، نبوده و افراد دوجنسیتی، معمولاً دارای اختلال رفتاری و مضطرب توصیف می‌شوند. (گاردنر، ۱۳۸۶: ۱۹۱) این افراد نه تنها نتوانستند نقش‌های جنس دیگر را یاد بگیرند، بلکه در ایفای نقش‌های خود نیز دچار مشکل شده‌اند. ممکن است این اشکال مطرح شود زنان با تمرین و ممارست می‌توانند جایگزین مردان در جنگ شوند و یا این

اکسی‌توسین یکی از هورمون‌هایی است که از نوروون‌های هیپوفیز ترشح می‌شود و پدیدآورنده حس خوب است. هورمون‌هایی که از غده 3 هیپوفیز ترشح می‌شوند مغز مادرانه را فعال می‌کنند. رک: حاجی حسینی، ۱۳۸۷، ص ۵۷ و رک: بریزدین، ۱۳۹۵، ترجمه دهقانی و پیمانی،

که با پیشرفت علم و تکنولوژی با استفاده ابزار الکترونیک نیازی به مردان قوی برای جنگ نباشد و همچنین با استفاده از تکنولوژی های نوین بتوان فرایند فرزندآوری را بدون نیاز به مادر و پدر، شکل داد. بله این احتمالات کاملاً درست است و تا حدودی این تکنولوژی و تجهیزات هم اکنون نیز فراهم شده است؛ اما نکته مهم این است که با این راهکارها بعد اجتماعی قضیه حل می شود ولی بعد فردی که «حقوق طبیعی» افراد است به هیچ وجه قابل جبران نیست؛ همانطور که بیان شد حق طبیعی زن و مرد در شکوفایی استعدادهای طبیعی آنهاست و با پرداختن به اموری که مناسب با طبیعت او نیست، شکوفایی و رشد حقیقی برای خود فرد حاصل نمی شود. در نگاه اسلامی اخلاق به اخلاق بندگی، اجتماعی و فردی تقسیم می شود. (مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ۱/۱۰۴؛ مصباح، اخلاق در قرآن، ۱/۲۴۲ و ۲۴۳) بنابراین انسان علاوه بر اینکه در برابر خدا، دیگران و جامعه، وظایفی دارد، در قبال خود نیز وظایفی دارد که باید نسبت به آنها پاسخگو باشد. حرکت در مسیر رشد و شکوفایی استعدادها و توانایی هایی که خدا به عنوان حقوق طبیعی در نهاد انسان ها قرار داده است یک وظیفه اخلاقی است.

۲-۳. استدلال چالش تشبه زنان و مردان به یکدیگر

برابری زنان و مردان و بر خورداری از فرصت ها و در نهایت ایفای نقش های یکسان در خانواده و جامعه از مهمترین ارکان تربیت دوجنسیتی است (بستان، ۱۳۹۴: ۹۹) با توجه به شواهدی در میان افرادی که از این شیوه تربیتی پیروی کرده اند می توان گفت این تشبه باعث ایجاد چالش های اخلاقی و رفتاری و روحی برای افراد می شود که گاهی موجب اختلال های اساسی در زندگی فردی و اجتماعی افراد می شود. در نتیجه تربیت دوجنسیتی غیر اخلاقی است. در ادامه یک نمونه از چالش های تربیت دوجنسیتی اشاره می شود. طبق تربیت دوجنسیتی زنان و مردان باید هم نقش نان آور و هم نقش فرزند پروری را بر عهده داشته باشند. (اسمیت، جرمی آدام: ۱۴۶) از این رو مادران برای ایفای نقش نان آوری مجبور هستند ساعاتی را به دور از فرزندان و در محیط شغلی باشند. در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که دوری بیش از حد مادر از فرزند بر مادری او تاثیر می گذارد. زمانی که مادر در طول روز از فرزند خود به مدت طولانی دور باشد، درک حالات و نیازهای فرزند برایش سخت می شود و نمی تواند رابطه رضایت بخش با کودک خود داشته باشد. این وضعیت در کنار غم دوری از فرزند، حس مادری او را تحت تاثیر قرار می دهد. همچنین زمانی که مادر، پرستار یا پدر را که رابطه بهتری با کودک دارند را می بیند، در حالی که خود به واسطه خستگی و مشغله های کاری از ارتباط مناسب با کودک درمانده است، اعتماد به نفسش کاهش می یابد. (دمارنف، ۱۳۹۰: ۱۱۶ - ۱۱۵) بنا به شواهدی از گفته های مادران که به صورت نوبتی با همسرانشان از فرزندشان مراقبت می کردند، احساس دلتنگی و ناراحتی که مادران از دوری از فرزندشان داشتند در همسرانشان وجود نداشت. این امر موجب ناراحتی مادران است که چرا پدران در این حس عاطفی با آنها

شریک نیستند. در حقیقت مادران به واسطه غریزه مادری هنگامی که از کودک خود جدا می‌شوند احساس محرومیت، حسرت و گناه می‌کنند. (همان، ص ۹۱-۹۰) علاوه بر شواهد فراوان دیگری که نشان از چالش برانگیز بودن این نوع تربیت است، در میان دستورات اسلامی، روایاتی وجود دارد که تشبیه زنان و مردان به یکدیگر را نهی کرده از جمله روایتی از امام علی علیه السلام نقل شده است که فرمودند: «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ لَعْنُ اللَّهِ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ، وَ الْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ (صدوق، ۱۳۸۵: ۶۰۲) شنیدم رسول خدا می‌فرمود: خدا لعنت کند مردانی را که خود را شبیه زنان می‌کنند و زنانی را که خود را شبیه مردان می‌سازند.» بنابراین هم از نظر چالش برانگیز بودن و هم از جهت مخالفت با تصریح روایت، تربیت دوجنسیتی غیر اخلاقی است.

نتیجه‌گیری

تربیت دوجنسیتی که رهاورد برخی دیدگاه‌های فمینیستی و افراطی است، تربیت را به شکل همگون در مورد زنان و مردان پیشنهاد می‌دهد. این مساله با نقدهایی مواجه است که چالشهایی را برای این رویکرد ایجاد می‌کند. چالش‌های زیستی، روانشناختی و اخلاقی از مهمترین چالشهایی است که این نوع تربیت با آن مواجه است. سه استدلال در این زمینه مطرح شد. استدلال تقابل‌های قطبی که مردان را واجد ارزش می‌دانست و زنان را محروم از آنها می‌دانست و رفع این امر ظالمانه را تربیت دوجنسیتی می‌دانست. در نقد این استدلال بیان شد که مبنای این تفکر فرهنگ مذکر محور و دو قطبی غرب است در حالی که فرهنگ اسلام ملاک فضیلت و ارزش را تقوا می‌داند. استدلال دوم برتری فضای عمومی است که فضای خصوصی که مختص زنان است را فاقد پاداش واقعی می‌داند در حالی که فضای عمومی که به مردان اختصاص دارد سرشار از پاداش است و با تربیت دوجنسیتی به دنبال شکستن این فضای نابرابر است. در نقد این استدلال نیز گفته شد که مبنای این ارزشگذاری دیدگاه لیبرالی و منفعت طلبی است که فردگرا و مادی است. در حالی که اسلام عرصه خصوصی و عمومی را زمانی دارای ارزش و پاداش واقعی می‌داند که در راستای قرب الهی باشد و این امر اختصاص به زن، مرد و یا عرصه عمومی و خصوصی ندارد.

استدلال بر اساس عامل ستم نیز بیان می‌کند که نقش‌های جنسیتی زنانه عامل ستم بر زنان است و با تربیت دوجنسیتی باید این عامل را برطرف کرد تا زنان از ظلم و ستم‌رهایی بیابند. در نقد این استدلال آمد که نوع تعریف نقش‌های زنانه و مردانه در غرب باعث ظلم و ستم به زنان است در حالی که این کلیشه‌های جنسیتی در اسلام دارای جایگاه و منزلتی است که زمینه ترقی و رشد معنوی زنان را فراهم می‌کند. در این زمینه به روایاتی اشاره شده است که مردان را به کار در منزل تشویق کرده است، دسته دیگر که تربیت را حقوق فرزندان بر پدران می‌دانند و روایاتی که اشتغال و تحصیل زنان را تایید می‌کند. بیان شد که در دیدگاه اسلام وظایف زنان و مردان

به سه دسته اختصاصی زنان، اختصاصی مردان و قسمت مشترک بین زن و مرد تقسیم شده است. اسلام ورود زنان و مردان را به وظایف اختصاصی جنس دیگر که مطابق سرشت و حقوق طبیعی هر کدام است، منع کرده و در قسمت مشترک که محدوده وسیعی را در بر می‌گیرد زنان و مردان به همکاری سفارش شده‌اند و تنها خط قرمز در این محدوده موازین شرعی است.

در ادامه دیدگاه برگزیده با سه استدلال مطرح شد. استدلال مبتنی بر تفاوتها بیان می‌دارد که در دستورات اسلام، بین تربیت دختر و پسر تفاوت‌هایی وجود دارد که مخالف تربیت دوجنسیتی است. در استدلال دوم که بر اساس حکیمانه بودن ویژگیهای اختصاصی تبیین شده است، بیان شد که تفاوت‌های بین زن و مرد ناشی از حکمت الهی است که با تساوی مطرح شده در تربیت دوجنسیتی و نادیده گرفتن تفاوتها، این حکمتها نادیده گرفته می‌شوند. استدلال سوم پیامدها و چالشهای تشبه به مردان و زنان را عامل غیر اخلاقی بودن این رویکرد می‌داند؛ زیرا تشبه زنان و مردان در روایات اسلامی نهی و نکوهش شده در حالی که این تشبه پایه و اساس تربیت دوجنسیتی است. در پایان پیشنهاد می‌شود علاقمندان به این عرصه، پیامدهای فردی و اجتماعی که تربیت دوجنسیتی به دنبال دارد را با رویکرد اخلاق اسلامی مورد سنجش و بررسی قرار دهند.

منابع

- قران کریم. ترجمه فولادوند، محمد مهدی ۱۴۱۵ق، تهران، دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی) چ اول.
- اتکینسون، ریتال و دیگران. ۱۳۷۱، *زمینه روانشناسی*، ترجمه براهنی و دیگران. بی جا. انتشارات رشد. چ ششم.
- اسمیت، جرمی آدام، ۱۳۹۱، *زنان شاغل و مردان خانه دار؛ جایجایی نقش های خانوادگی در آمریکا*، ترجمه محمد مهدی لیبی، تهران، انتشارات علم، چ اول.
- اکشلال، رابرت و دیگران، ۱۳۸۵، *مقدمه ای بر ایدئولوژی های سیاسی*، ترجمه قائد، محمد، تهران، نشر مرکز، چ دوم.
- آزادگان مهر، مریم، *از تربیت دو جنسیتی تا ورای نقش های جنسیتی*، <http://ecpsychology.blogfa.com> ۱۳۹۲/۰۴/۲۲
- باداتر، الیزابت، ۱۳۷۷، *زن و مرد*، ترجمه سرور شیوا رضوی، تهران، دستان، چ اول.
- بال، ترنس، دگر، ریچارد، ۱۳۸۶، *ایدئولوژی های سیاسی و آرمان دموکراتیک*، مترجم احمد صبوری، تهران، وزارت امور خارجه، چ دوم.
- بریزدین، لوآن، *مغز زنانه*، ترجمه محسن دهقانی و سهیلا پیمانی، تهران، رشد، چ دوم، ۱۳۹۵ش.
- بستان، حسین، ۱۳۸۲، *نابرابری و ستم جنسی از دیدگاه اسلام و فمینیسم*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه،
- بستان، حسین، ۱۳۸۸، *اسلام و تفاوت های جنسیتی در نهادهای اجتماعی*، قم. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دفتر امور بانوان وزارت کشور. چ اول.
- بستان، حسین، ۱۳۹۴، *جامعه شناسی جنسیت با رویکرد اسلامی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و نشر هاجر، چ اول.
- پیره، روزبه، ۱۳۷۷، *روانشناسی اختلافی زن و مرد*، ترجمه محمد حسین سروری، انتشارات جانزاده، چ چهارم.
- تانگ، رزماری، ۱۳۹۴، *تقد و نظر در آمدی جامع بر نظریه های فمینیستی*، ترجمه منیژه نجم عراقی. تهران. نشر نی. چ چهارم.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم: آل البیت لاحیاء التراث، چ اول.
- حر عاملی، محمد، ۱۴۱۴ق، *هدایة الأئمة الی أحكام الأئمة علیهم السلام*، مشهد، آستانة الرضویة المقدسة. مجمع البحوث الإسلامية. چ اول.
- حسینی زاده، سید علی. ۱۳۹۳، *تربیت و جنسیت*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ اول.
- خالق باقری، راضیه، *رابطه بین طرحواره های جنسیتی و سازگاری اجتماعی نوجوانان شهر تهران*، پایان نامه، کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه الزهرا، ۱۳۸۱ش.
- خدابخشی کولایی، آناهیتا، *مقایسه نقش جنسیتی آندروژن با نقش های جنسیتی مردانه و زنانه و بررسی رابطه آنها با منبع کنترل درونی و بیرونی و حرمت نفس دردانشجویان دختر و پسر دانشگاه علامه طباطبائی تهران*، پایان نامه، کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۰ش.

- دمارنف، دافنه، ۱۳۹۰، *غریزه مادری*: در مورد فرزندان، عشق و زندگی معنوی، ترجمه و تلخیص آزاده وجدانی، قم، معارف، چ دوم.
- ربر، ارتور اس، ۱۳۹۳، *فرهنگ روان شناسی (توصیفی)*، ترجمه یوسف کریمی و دیگران. تهران. رشد.
- رودز، استون ای، *تفاوت‌های جنسیتی را جدی بگیرید*، ترجمه معصومه محمدی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ اول، ۱۳۹۲ش.
- رودگر، نرجس، ۱۳۸۸، *فمینیسم تاریخیچه نظریات گرایش‌ها*، تقد، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران. چ اول.
- زیبایی نژاد، محمد رضا، *جایگاه خانواده و جنسیت در نظام تربیت رسمی*، قم، نشر هاجر، چ اول، ۱۳۹۱ش.
- سفیری، خدیجه و ایمانیان، سارا، ۱۳۹۴، *جامعه شناسی جنسیت*، تهران، جامعه شناسان، چ دوم.
- سگالن، مارتین، ۱۳۹۳، *جامعه شناسی تاریخی خانواده*، ترجمه حمید الیاسی، تهران، نشر مرکز، چ ششم.
- شعیری، تاج الدین، بی تا، *جامع الاخبار*، نجف، الحیدریه، چ اول.
- صدوق ابن بابویه، محمد، ۱۳۷۶، *الأمالی (للصدوق)*، تهران، کتابچی، چ ششم.
- صدوق ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۸۵، *علل الشرائع*، قم، کتابفروشی داوری، چ اول.
- صدوق ابن بابویه، محمد. ۱۴۱۳ ق، *من لا یحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، چ دوم.
- طبرسی، حسن بن فضل، ۱۳۷۰، *مکارم الأخلاق*، قم، الشریف الرضی، چ چهارم.
- قتال نیشابوری، محمد بن احمد، ۱۳۷۵، *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین*، قم، انتشارات رضی، چ اول.
- فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۳۷۱ش، *نوادیر الأخبار فیما یتعلق بأصول الدین*، محقق انصاری قمی، مهدی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چ اول.
- کلینی، محمد، ۱۴۰۷ ق، *الکافی*، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چ چهارم.
- گاردنر، ویلیام، ۱۳۸۶، *جنگ علیه خانواده*، ترجمه معصومه محمدی، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، چ اول.
- لنسکی، گرهارد و لنسکی، جین، ۱۳۷۴، *سیر جوامع بشری*، ترجمه موفقیان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چ دوم.
- لیثی واسطی، علی، ۱۳۷۶، *عیون الحکم و المواعظ*، محقق حسنی بیرجندی، قم، دار الحدیث، چ اول.
- محلّاتی، ذبیح الله، ۱۳۷۳، *ریاحین الشریعه*، ج ۳، چ ششم، دارالکتب الاسلامیه: تهران.
- مشیرزاده، حمیرا، ۱۳۸۵، *از جنبش تا نظریه اجتماعی تاریخ دو قرن فمینیسم*، تهران، نشر پژوهش شیرازه، چ سوم.
- مصباح، محمد تقی، ۱۳۹۱، *اخلاق در قرآن*، تحقیق محمد حسین اسکندری، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ش.
- مظهری، مرتضی، ۱۳۷۹، *مجموعه آثار شهید ج ۱۹*، تهران. صدرا. چ دوم.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۵، *اخلاق در قرآن*، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.

منطقی، مرتضی، ۱۳۹۰، زن شرقی - مرد غربی، بعثت، تهران، چ اول.

نجاریان، بهمن و خداحیمی، سیامک. دوگانگی جنسی، فصلنامه تازه‌های روان‌درمانی، شماره ۳، صص ۴۴ - ۳۰، ۱۳۷۷ش.

نرسیسیاس، امیلیا، ۱۳۸۳، مردم شناسی جنسیت، پژوهشکده مردم شناسی، تهران نشر افکار، چ اول.

هینسون، جوی و دیگران. ۱۳۹۰، فیزیولوژی بالینی غدد درون ریز با نگرش به علوم پایه، ترجمه پروین بابایی و دیگران، تهران.

کتاب ارجمند، چ اول.

Arnie Cann «Evaluative expectations and the gender schema: Is failed inconsistency better?»

Sex Roles volume 28, pages667-678(1993)

Auster Ellen R. «Inequality between Men and Women» *The Academy of Management Review*

Vol. 14, No. 2 (Apr., 1989), pp. 173-193 Published by: Academy of Management.

Antill .John K & John D. Cunningham «The relationship of masculinity, femininity, and

androgyny to self-esteem» : Pages 195-207 , Volume 32, 1980 - Issue 3Australian Journal of Psychology

Sweeny Kate, Victor Kwan & Angelica Falkenstein «The Role of Gender in Worry and Efforts

to Cope during Stressful Waiting Periods » .*Sex Roles* volume 81, pages765-778(2019)Cite this article .

Martin .Carol Lynn .Naomi C. Z. Andrews, Rachel E. Cook «Reviving Androgyny: A

Modern Day Perspective on Flexibility of Gender Identity and Behavior» Published on May 1, 2017in *Sex Roles*, ۷۶(۱۰-۹), ۵۹۲-۶۰۳

Rachel E. Paulet. Meenakshi Menon, David G. Perry « Psychological Androgyny and

Children's Mental Health: A New Look With New Measures.» June 2017, Volume 76, pp 705-718.

Barbara J, Yanico , «Sex bias in career information: Effects of language on attitudes», Journal

of Vocational Behavior, Volume 13, Issue 1, August 1978, Pages 26-34

Bem, SANDRA. L. «Gender schema theory: A cognitive account of sex typing». *Psychological*

Review, (1981) 88(4), 354-364

HYPERLINK"<https://psycnet.apa.org/record/1989-29149-001>". «Gender schema, gender

constancy, and gender-role knowledge: The roles of cognitive factors in preschoolers' gender-role stereotype attributions. » Published on 1989/5 in *Psycholog Developmental*